

«مجموعه‌ی اشعار شاعران ایران درباره‌ی «دل»»

فقط دل

گردآوری: صمد رحیمیان



انتشارات درسا

رحیمیان، صمد، ۱۳۰۷، گردآوری، فقط دل: مجموعه‌ی اشعار شاعران ایران درباره‌ی دل / گردآوری صمد رحیمیان، تهران: درس، ۱۳۸۳.
ص ۳۶۱

ISBN: 964-6104-85-1

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. شعر فارسی - مجموعه‌ها. الف. عنوان.
۸۶۱/۰۸ PIR۴۰۵۳/د۸۳
۱۳۸۳

م ۸۲ - ۲۸۹۵۵

کتابخانه ملی ایران



فقط دل

مجموعه‌ی اشعار شاعران ایران درباره‌ی دل

گردآوری: صمد رحیمیان

انتشارات: درس- تیراز: ۱۱۰۰ جلد - چاپ: اول ۱۳۸۴

لینوگرافی: فیلم‌گرافیک - چاپ: غزلباران - صحافی: منصوری

طرح جلد: علی قراهمانی راد

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

تلفن: ۶۶۴۶۴۵۷۷-۶۶۹۶۳۰۳۵

ISBN: 964-6104-85-1

شابک: ۹۶۴-۶۱۰۳-۸۵-۱

پیشگفتار

راز آفرینش به نحوی شایسته و چشمگیر در کوچکترین ذرات وجود آدمی تجلی دارد، بدین گونه که هر یک از اعضای بدن انجام وظیفه‌ای خاص را به عهده دارد.

بعنوان مثال، چشم و گوش و حلق و بینی برای دیدن و شنیدن و بلعیدن و بوئیدن است که ما به ظاهر فعل و انفعال و اعمال آنها را درک نمی‌کنیم. ولی بدن آدمی دارای عضوی است که در بدو خلقت در رحم مادر ایجاد می‌شود، برای انجام اعمال گوناگون خلق شده است، از طریق آن هرگونه احساسی را لمس و درک می‌کنیم، با گذاشتن دست بر روی آن و تشخیص شدت و ضعف ضربانش براحتی به میزان خوشی و لذت و عُسرت و گرفتاریها پی می‌بریم؛ شاهد لحظه به لحظه‌ی فعالیت آن هستیم، و تنها عضوی که از کار افتادنش نشان‌دهنده‌ی پایان عمر آدمی است. و آن قلب یا به عبارتی دل است؛ یکی از شاهکارهای خلقت.

از این رو همه‌ی شعرای ایران هر یک به نوبه‌ی خود و در دایره‌ی گرفتاریها و برحسب دیدگاهشان رباعی یا بیت و یا غزلیاتی سروده‌اند که ما را از طرز تفکر و احساسات و خصوصیات اخلاقی و طریق زندگی آنان آگاه می‌کنند. از آنجاکه چه بسا مطالعه‌ی دیوان تمام شعرا برای عموم امکان‌پذیر نباشد، هر آنچه را در ارتباط با دل، دل غمگین، دل محنت‌زده، دل شیدا، دل عاشق و دل افسرده در دیوان شعرا و جراید پیدا می‌شد، جمع‌آوری و تقدیم خوانندگان عزیز کرده‌ایم، با امید به اینکه قبول افتد و در نظر آید.

فصل بیست

ابوالقاسم اخوتی:

- ۱۵..... نشد یک لحظه از یادت جدا دل
 ۱۶..... تو رفتی و در سینه گره شد نفس دل
 ۱۷..... آن دلبر افغان چه سلحشور برد دل
 ۱۸..... ز دست گرچه خونین شد دل من
 ۱۹..... تو را در خود نهان دارد دل من
 ۲۰..... پر کرده‌ام از مهر تو پیمانه دل را
 ۲۱..... باکم ز مرگ نیست که خون می‌رود ز دل
 ۲۱..... ای رفته ز دیده، مانده در دل
 ۲۲..... و یا به هستی خود چاره می‌کنم ای دل
 ۲۳..... در کنفرانس صلح عمومی به نام دل

ابوتراب جلی:

- ۲۴..... مدتی کشمکش افتاد میان من و دل

ابوالقاسم حالت:

از بس که با جفای تو شد آشنا دلم ۲۵

ابریمن فریوندا:

با خبر باش که دنیا گذران است ای دل ۲۶

بانو ایرازالدوله:

در خم زلف تو از اهل جنون شد دل من ۲۷

جامی:

دوستان چند کنم ناله ز بیماری دل ۲۸

حافظ:

ای زخم غم تو مرهم دل ۲۹

حکیم سوزنی سمرقندی:

تا بسته‌ام بدان دو رخ لاله‌فام دل ۳۰

حزیر الهیجی:

حاجت اگر بری در دولت‌سرای دل ۳۱

عشق اگر یار شود از اثر یاری دل ۳۲

جهان ساده پر کار است از نقش و نگار دل ۳۳

«روشن» - محمدصادق جناب:

دارد از بس که دمدام سترِ آزارم دل ۳۵

رهبر معیر:

همچو نی می نالم از سودای دل ۳۶

رفیق اصفهانی:

باور کس نشود قصه‌ی بیماری دل ۳۷

زرانر کرمانشاهی - حسن:

گویی که همین عاشق و شیدا منم، ای دل ۳۸

زیب‌النسا مخفر:

در خون نشسته‌ام همه شب ز آرزوی دل ۳۹

سعدی:

سالها در سینه پنهان داشتم اسرار دل ۴۰

شاه نعمت‌الله ولی:

جام گیتی نماست یعنی دل ۴۱

اگر ذوق خوشی خواهی حریفی کن دمی با دل ۴۲

دل صفیه‌ی صفاست و ما صوفیان دل ۴۳

جان کیست؟ بنده‌ی حرم کبریای دل ۴۴

شعر تیریز:

امروز بحمدالله از دی بتراست این دل ۴۵

رفت عمرم در سر سودای دل ۴۶

ز خود شدم ز جمال پر از صفا ای دل ۴۷

شعریار:

هر جا که غمی یار کند بار کند دل ۴۸

زند چشمک که طالب دارد این دل ۵۱

از غم جدا مشو که غنا می‌دهد به دل ۵۲

تا غم هجر تو آمد به سراغ دل من ۵۴

برده صنمی شوخ و سیه چرده دل من ۵۵

شیدا علی اکبر:

در خم زلف تو از اهل جنون شد دل من ۵۶

صائب تبریزی:

مرو بیرون ز عشرتخانه‌ی دل ۵۷

قدم برون منه از آستان خانه‌ی دل ۵۸

چرخ است حلقه‌ی در دولت‌سرای دل ۵۹

تا چند گرد کعبه بگردم به بوی دل ۶۱

مکش ای سلسله مورو بهم از زاری دل ۶۲

صدیق نجوانی:

به فلک می‌رود از هجر توام زاری دل ۶۳

صفا اصفهانی:

یار برداشت ز رخ پرده برای دل من ۶۴

صحبت آرم:

سینه دانی ز چه شد بستر بیماری دل ۶۵

ضرابی علامه‌حسینی:

گریه‌ها کرد دلم خسته دلم وای دلم ۶۷

عائقه اصفهانی:

فرستی کو که کنم فکر پرستاری دل ۶۸

عبدالقادر بیدل:

ز من عمری است می‌گردد جدا دل ۶۹

عبدالله داعر دزفولی:

نیست آسایشم از عشق تو و زاری دل ۷۰

عبید زاکانی:

ای ترک چشم مست، بیمار خانه‌ی دل ۷۱

عطار نیشابوری:

صورت نبندد ای صنم، بی زلف تو آرام دل ۷۲

زهی در کوی عشقت مسکن دل ۷۳

عماد خراسانی:

سوزد دل از برای من و من برای دل ۷۵

تا مگر مرغ غمت گم نکند خانه دل ۷۷

فرات:

روزم سیاه گشت ز دود و شرار دل ۷۹

فخرالدین عراقی:

خوشر از خلد برین آراستند ایوان دل ۸۰

فروغی بسطامی:

تا شکن زلف توست سلسله جنبان دل ۸۲

فیض کاشانی:

ای فغان از هی هی و هی های دل ۸۴

منزلگه یار است دل، ماوای دلدار است دل ۸۶

فصیح الماد شوریده:

گفتمش رحم کن ای دوست که تنگ است دلم..... ۸۸

«قاضی» مصطفی نظام وفا:

جایگاه حضرت مولاست دل..... ۸۹

کلیم جاشانی:

خم زلفی است اگر دام گرفتاری دل..... ۹۱

کمال اجتماعی جندقی:

تاکنون کس نشنیده‌ست شبی زاری دل..... ۹۲

ملک الشعرا بهار:

دل سوی مهر می‌کشد و مهر سوی دل..... ۹۳

محتشم کاشانی:

گر پانهی ز لطف به مهمانسرای دل..... ۹۴

رسید باز تپاننده‌ی کیوتر دل..... ۹۵

زدی ز دست ارادت چو حلقه بر دَرِ دل..... ۹۶

ای جمالت قبله‌ی جان ابرویت محراب دل..... ۹۷

تا بنازت نیاز دارد دل ۹۸

ای رُخت آفتاب روشن دل ۹۹

ای غمزهات کشیده خدنگی به کین دل ۱۰۰

ای که با سوز غم عشق تو می سازد دل ۱۰۱

«معاف محمدعلی فریبا:

ای من فدای آن که بُود آشنای دل ۱۰۲

معینر حرمانشاهی:

افسرده‌ی از یار جدایی است، دل من ۱۰۳

محمد دیوسالار «بشرا»:

یک کهکشان ترانه هم چنگی به دل نمی‌زند ۱۰۴

نظام وفا:

بهانه جُستی و از ما شدی جدا ای دل ۱۰۵

نظیر نیشابوری:

زان شب که یار کرد نگاهی به سوی دل ۱۰۶

وحدت:

آن که ناید به دلش رحم ز بیماری دل ۱۰۸

هما میرا افشار:

خوشا خون خوردن از پیمانه دل ۱۰۹

ابیات ۱۱۱

رباعیات ۳۵۱